

ارتباط مسئولیت انتظامی با مسئولیت کیفری و مدنی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۵)

سیدمرتضی شهیدی^۱، نبی دهقان^۲، امین بدیع صنایع^۳

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری*

۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی

۳. دانشجوی دکترای حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

علی‌رغم اینکه در تحقیقات و تألیفات حقوقی به مبانی، احکام و اصول حاکم بر مسئولیت مدنی و کیفری و نیز خسارت ناشی از جرم جرم پرداخته شده است، مسئولیت انتظامی یا انضباطی در کنار این دو نوع مسئولیت حقوقی مورد توجه چندانی قرار نگرفته است و اشخاص درگیر با آن، به‌ویژه مراجع رسیدگی‌کننده به تخلفات انتظامی، در این ابهام اساسی‌اند که در رسیدگی و نیز تعاریف و تعیین دامنه احکام مرتبط، تابع مسئولیت کیفری یا مدنی باشند. مسائلی از قبیل ارکان تحقق تخلف، عوامل رافع مسئولیت انتظامی، نقش عنصر معنوی در وقوع تخلف و نیز سایر قواعد و اصول دادرسی در رسیدگی‌های انتظامی موضوعاتی‌اند که با تبیین و تعیین آن می‌توان مسیر مراجع رسیدگی‌کننده به تخلفات را تسهیل کرد. بر همین اساس در این مقاله ضمن ارائه تعریفی از مسئولیت‌های حقوقی، به بیان تفاوت‌های بنیادین مسئولیت مدنی و کیفری با مسئولیت انتظامی خواهیم پرداخت و در نهایت نوع سوم از مسئولیت تحت عنوان «مسئولیت انتظامی» با احکام و آثار و قواعد مختص خود اثبات می‌شود.

کلیدواژه‌گان: مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری، مسئولیت انتظامی.

مقدمه

در علم حقوق، «مسئولیت»^۱ به تعهد قانونی شخص بر جبران ضرری که به دیگری وارد کرده است، گفته می‌شود. خواه این ضرر ناشی از تقصیر ایجادکننده‌ی ضرر باشد، یا اینکه ضرر در اثر فعالیت او به دست آمده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۶۴۲). مسئولیت، انواع مختلفی دارد؛ مسئولیت اخلاقی، اداری، تضامنی، تقصیری، مسئولیت حقوقی (مدنی، کیفری، انتظامی) و... از جمله مصادیق ذکر شده برای آن می‌باشند. آن چه در این نوشتار بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد مسئولیت انتظامی است.

با آغاز قرن بیستم، جهان شاهد دگرگونی‌های وسیعی در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی بود. به دنبال این تحولات، دولت‌ها که تا آن زمان برای خود نقش فعالی قائل نبودند، تغییر رویه داده و به طور مستقیم در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی وارد شدند. این امر خود مستلزم ایجاد نهادها و سازمان‌هایی بود که فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها را انجام دهند. به دنبال گسترش ادارات، سازمان‌ها، تشکل‌های خودانتظام و صنف‌های متنوع و تخلفاتی که ممکن است در این نهادها رخ دهد و با توجه به گستردگی کار مراجع قضایی، نیاز جدی به وضع مقررات برای رسیدگی به تخلفات اداری و صنفی در هیئت‌های تخصصی رسیدگی به تخلفات دیده می‌شد. از جمله این مقررات که توسط محققین و دکترین حقوق جمع‌آوری شد و قانون‌گذاران یک جامعه آن را به مرحله اجرا گذاشتند، قوانین مربوط به مسئولیت انتظامی است که در اکثر جوامع برای متضررین از تخلفات انتظامی ثابت می‌شود که به واسطه این قوانین، اصناف می‌توانند به حقوق مادی و معنوی خود برسند.

در حقوق ایران همانند مسئولیت کیفری و بر خلاف مسئولیت مدنی، قانون‌گذار تعریفی از مسئولیت انتظامی ارائه نداده و در قوانین و دستورالعمل‌های مختلف فقط به ذکر مصادیق آن پرداخته است. اما مواردی که باعث ایجاد مسئولیت انتظامی می‌شود به حدی است که به طور قطع می‌توان وجود چنین مسئولیتی را در حقوق کنونی ادعا کرد. برخی قوانین همچون قانون رسیدگی به تخلفات اداری، قانون استخدام کشوری، قوانین و مقررات رسیدگی به تخلفات اصناف مختلف همچون قضات، وکلا، سردفتران، پزشکان، کارگران، ... و قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران

۱. liability

و آیین‌نامه و دستورالعمل‌های مرتبط با آن، مقرراتی را در راستای شناسایی و معرفی مسئولیت انتظامی، تخلفات اداری و صنفی، مجازات‌های انتظامی و همین‌طور آیین رسیدگی به این تخلفات مشخص کرده‌اند.

پرسش اصلی این است که آیا مسئولیت انتظامی و مسئولیت‌های مدنی و کیفری از یکدیگر مجزا هستند و برای پاسخ به سوال ناگزیر باید سوالاتی از این قبیل نیز حل شود که اگر مجزا هستند، چه نوع رابطه‌ای از نظر منطقی با هم دارند؟ آیا قائل به تفکیک بنیادین میان این مسئولیت‌ها شویم و یا این که رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق یا من وجه دارند؟ و آیا مسئولیت انتظامی پیش‌زمینه‌ی مسئولیت کیفری یا مدنی می‌باشد و یا این که نقض ارزش‌ها در هر دو یکی است؟ آیا اصول حاکم بر دادرسی‌های کیفری باید در این رسیدگی‌ها اعمال شود؟ چگونه می‌توان مسئولیت انتظامی را در میانه‌ی دو نظام مسئولیت فوق، بر قواعد اخلاقی مبتنی کرد؟ بی تردید این نظام، نه کاملاً تابع اصول حاکم بر مسئولیت کیفری است و نه می‌توان به طور کلی مقررات مسئولیت مدنی را بر آن بار کرد (محسنی، ۱۳۹۳: ۴). بلکه وجودی مستقل دارد که هرچند در برخی مواقع با دیگر مسئولیت‌ها شباهت‌هایی دارد اما وجود مستقلی را در کنار دیگر مسئولیت‌ها ایجاد کرده است. برای روشن شدن بحث، باید ابتدا ماهیت این سه نوع مسئولیت و خاستگاه آن‌ها تبیین شود و سپس شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها بررسی شود تا پاسخ سوال‌های مختلف در این زمینه را به دست آوریم.

۱. تعریف مسئولیت

در فرهنگ لغت، مسئولیت به معنای ضمانت، ضمان، تعهد، مؤاخذه، متعهدبودن، پرسیده‌شده و خواسته‌شده آمده است و اغلب به مفهوم تکلیف و وظیفه و آنچه انسان عهده‌دار انجام آن باشد تعریف شده است (علامه فلسفی، ۱۳۸۱: ۶۲۹) و در جای دیگر مسئولیت به معنی موظف‌بودن به انجام امری است (ولیدی، ۱۳۷۴: ۲۳).

گفته شد که «مسئولیت» به تعهد قانونی شخص بر جبران ضرری که به دیگری وارد کرده است، گفته می‌شود. خواه این ضرر ناشی از تقصیر ایجادکننده‌ی ضرر باشد، یا این که ضرر در اثر فعالیت او به دست آمده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۶۴۲) و در تعریف دیگری، مسئولیت، التزام شخصی به پاسخگویی اعمال و رفتار زیانبارش در قبال مردم تعریف شده است (ولیدی، ۱۳۷۴: ۲۳). در زمینه‌ی تعریف و توضیح مسئولیت در ماده ۳۲۸ قانون مدنی به صراحت این موضوع روشن شده است:

«هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد، اعم از اینکه از روی عمد یا بدون عمد تلف کرده باشد یا عین باشد یا منفعت مال باشد و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن قیمت آن مال است». در قرآن کریم هم اشاره‌ای به مسئولیت شده است که «به آنچه پیمان می‌بندید وفا کنید چه پیمان بازخواست دارد»^۱. در فقه نیز در همین معنی، لفظ ضمان را به کار برده‌اند و معنی آن هر نوع مسئولیت اعم از مالی و کیفری است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳: ۶۴۲). طبق قاعده عقلی که مفاد حدیث مشهور نبوی «لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام» است، حاکی از آن است که هر کس به دیگری زبانی وارد آورد، باید آن را جبران کند (امامی، ۱۳۷۸: ۳۹۴).

در یک تقسیم بندی سنتی، مسئولیت به دو نوع کلی تقسیم شده است: ۱- مسئولیت اخلاقی ۲- مسئولیت قانونی و یا حقوقی که خود به چهار زیر شاخه‌ی مسئولیت مدنی، کیفری، اداری و بین‌المللی تقسیم می‌شود (محسنی و جوهر، ۱۳۹۳: ۶).

مسئولیت اخلاقی عبارت است از مسئولیتی که قانون گذار متعرض آن نشده و تنها ضمانت اجرای درونی و وجدانی داشته و فقط وجهه مسئولیت در برابر خدا یا وجدان اوست و ضمانت اجرای حقوقی ندارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۶۴۲). در مواردی نیز مسئولیت را به معنای «در معرض مجازات بودن» یا «مسئولیت در برابر خداوند که نتیجه‌ی آن مجازات و کیفر اخروی است» بیان کرده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۱۲۰). در مقابل، مسئولیت حقوقی مواردی است که در قانون احصاء شده و ضمانت اجرای قانونی (کیفری، مدنی و انتظامی) دارد (کاتوزیان، ۱۳۶۲: ۵۱۲) که به تفصیل هر یک شرح داده خواهد شد.

۲. تعریف مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی^۲ عبارت است از: «ملزم بودن شخص به جبران خسارتی که به دیگری وارد کرده است». به عبارت دیگر مسئولیت مدنی زمانی به وجود می‌آید که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه بزند و در اثر آن زبانی به او وارد آورد؛ فرق نمی‌کند عملی که موجب زیان شده است

۱. او فوا بالعهد ان العهد کان مسولاً، سوره اسراء، آیه ۳۴

جرم باشد یا شبه جرم. در هر موردی که شخص موظف به جبران خسارت دیگری است، گفته می‌شود که این فرد مسئولیت مدنی دارد و ضامن است (باوی و بهمنی، ۱۳۹۳: ۶).

در اروپا تا سال ۱۹۹۲ هیچ قانون واحدی راجع به مسئولیت مدنی وجود نداشت تا اینکه در آن سال با تصویب اصول حقوقی مسئولیت مدنی^۱ این نوع از مسئولیت را در سطح جهانی شناساندند (Clarkson, 2005:12). در کشورهای دارای حقوق مدون معمولاً در خصوص مسئولیت مدنی، قوانین و مقررات خاصی، وجود دارد. در کشورهای دارای حقوق عرفی، مسائل مسئولیت مدنی را تحت عنوان بسیار وسیعی به نام «شبه جرم»^۲ بررسی می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۴۲: ۴).

با اینکه در فقه مدون و نظام‌یافته و در اندیشه فقیهان، کتاب و یا باب خاصی به مسئولیت مدنی اختصاص نیافته است، ولی وجود احکام فراوان، مبنی بر ممنوعیت اضرار و لزوم جبران خسارت در ابواب مختلف فقهی از یک سو و قواعدی مانند: قاعده اتلاف، قاعده تسیب، قاعده لاضرر، قاعده تعدی و تفریط، قاعده غرور و قاعده علی‌البد در سراسر مباحث فقهی به شیوه‌های مختلف و در قالب‌های گوناگون از سوی دیگر، حکایت از گستردگی احکام و وسعت قواعد مسئولیت مدنی در فقه می‌کند. نگاه به مجموعه این مباحث و با کنار هم قراردادن اجزای آن، می‌توان این جزایر منفصل از هم را در قالب نظام مسئولیت مدنی از منظر اسلام طراحی کرد (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶: ۱). در برخی از آیات قرآن، به شیوه جبران خسارت اشاره شده است لیکن صراحتی ندارد، اما می‌توان با توجه به سیاق آیات به وجود مسئولیت مدنی در قرآن پی برد. (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶: ۲۴)

اصطلاح مسئولیت مدنی در زبان کنونی حقوق ایران، نمایانگر مجموعه قواعد و لوازمی است که وارد کننده ضرر و زیان را به جبران خسارت وارده به زیان دیده ملزم می‌کند (باوی و بهمنی، ۱۳۹۳: ۶). در همین راستا ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ نیز مسئولیت مدنی را تعریف نموده است.^۳

۱. Principles of European Tort of law (PETL)

۲. Torts

۳. ماده ۱: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.»

مسئولیت مدنی به مسئولیت مدنی قراردادی و مسئولیت مدنی غیر قراردادی یا ضمان قهری تقسیم شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۶۰). البته مسئولیت مدنی به معنای خاص، تنها مسئولیت غیر قراردادی را در بر می‌گیرد. کاربرد این مسئولیت، بیشتر در حقوق سوئیس رایج است. پاره‌ای از نویسندگان فرانسوی نیز مسئولیت مدنی را در این مفهوم به کار برده‌اند (بادینی ۱۳۸۴: ۳۳). در حقوق کامن‌لا این معنا معادل حقوق خطاهاست. بیشتر حقوق دانان ما نیز مفهوم خاص مسئولیت مدنی را مدنظر قرار داده‌اند (امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۱۵۷-۱۶۲).

۱-۲. ارکان، هدف و مبنای مسئولیت مدنی

برای تحقق مسئولیت مدنی وجود سه رکن لازم است و با پیدایش ارکان سه گانه، مسئولیت محقق و واردکننده خسارت ملزم به جبران خسارت می‌شود. ارکان و عناصر تشکیل دهنده مسئولیت مدنی از این قرار است: ضرر، فعل زیانبار، رابطه سببیت (بین عمل زیانبار و ضرر) (قاسم زاده، ۱۳۸۸: ۷۳).

غالباً بین هدف مسئولیت مدنی با مبنای آن اختلاط به عمل آمده است. اما، جدایی آن دو ترجیح دارد: در هدف مسئولیت مدنی بحث بر سر این است که این نوع مسئولیت در عمل چه نیازها و چه هدف هایی را برآورده می‌سازد (بادینی، ۱۳۸۳: ۴)، در حالی که مبنای مسئولیت مدنی به این پرسش پاسخ می‌دهد که چه نوع ملاحظات اخلاقی و فلسفی باعث می‌شود تا شخصی، از لحاظ مدنی در مقابل دیگری مسئول شناخته شود. در مسئولیت مدنی سنتی، هدف، جبران خسارت زیان‌دیده و برگرداندن او به حالت نخستین است (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷: ۷). عده‌ای بر این باورند که جبران خسارت به صورت پرداخت مبلغی پول، تنها هدف مسئولیت مدنی در ارتباط با زیان‌دیده نیست، بلکه در کنار آن جلوگیری از ورود خسارت در آینده و رفع تجاوز نسبت به حقوق خواهان نیز مطرح است (Cane, 1996: 446).

در مورد مبنای مسئولیت مدنی، نظریه‌های مختلفی وجود دارد که ۲ نظر اصلی آن عبارت‌اند از: نظریه تقصیر و نظریه خطر. در نظریه تقصیر، مباشر خسارت فقط هنگامی مسئول جبران ضرر است که مرتکب تقصیری شده باشد و خسارت هم معلول آن تقصیر باشد. وجود رابطه سببیت بین خسارت و تقصیر است که جبران خسارت را توجیه می‌کند. به طور کلی، می‌توان تقصیر را چنین تعریف کرد: رفتاری پایین‌تر از سطح معیارهای رفتار یک انسان متعارف (حسینی و اسحاقی، ۱۳۹۴: ۴). طبق

نظریه خطر هر کس به فعالیتی بپردازد و محیط خطرناکی برای دیگران به وجود آورد و در این بین کسی که از این محیط نفع می‌برد باید زیان‌های ناشی از آن را نیز جبران کند.

۳. مسئولیت کیفری

در تعریف مسئولیت کیفری^۱ اختلاف نظرهای متفاوتی وجود دارد. عده‌ای از حقوق دانان مسئولیت کیفری را «اهلیت» یا «قابلیت» شخص برای تحمل تبعات جزایی رفتار مجرمانه‌ی خود دانسته‌اند (صناعی، ۱۳۸۰: ۷۵). پرواضح است که این تعریف شایستگی و دارا بودن شخص را از نظر عقلی بیان می‌کند؛ زیرا شخصی که از لحاظ عقلی دارای اختلال حواس است از مسئولیت کیفری مبرا است (ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲). همچنان که عده‌ای نیز مسئولیت کیفری را به شکل دیگری بیان می‌کنند و می‌گویند که مسئولیت کیفری عبارت است از این که تبعات جزایی رفتار مجرمانه شخص بر او الزام یا تحمیل گردد؛ در نظریه‌ی گروه اخیر از حقوق دانان در خصوص تعریف مسئولیت کیفری نیز ایرادی وجود دارد و آن اینکه بطور مطلق تمام اشخاص را در صورت انجام فعل مجرمانه، سزاوار و شایسته‌ی تحمل مجازات دانسته که با این وصف نیز قید مجانین و صغار از این تعریف خارج نشده است (باوی و بهمنی، ۱۳۹۳: ۱۵). یکی دیگر از حقوق دانان مسئولیت کیفری را چنین تعریف می‌کند: «منظور از مسئولیت کیفری، اهلیت تحمل برخورد قانونی مجازات در برابر ارتکاب رفتار مجرمانه است» (نورپه، ۱۳۸۴: ۲۱۰).

اما می‌توان گفت مسئولیت کیفری نوعی الزام شخصی به پاسخگویی آثار و نتایج نامطلوب پدیده جزایی یا جرم است. الزام شخص به پاسخگویی در قبال تعرض به دیگران، خواه به جهت حمایت از حقوق فردی صورت گیرد و خواه به منظور دفاع از جامعه، تحت عنوان «مسئولیت کیفری» یا «مسئولیت جزایی» مطرح می‌شود که از مشخصه‌های اساسی آن می‌توان به قانونی بودن مجازات، رنج‌آوری، رسواکنندگی و شخصی بودن کیفر اشاره کرد (علیرضایی، ۱۳۸۶: ۱).

۱-۳. هدف مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری همانند مسئولیت مدنی از انواع سنتی مسئولیت‌هاست که هدف آن کیفر مرتکب آن جرائم در حیطه قانون است. بنابراین مسئولیت کیفری با ضمانت‌اجراهایی که دارد، در ایجاد

احترام به ارزش‌های اجتماعی با جامعه همکاری دارد (Mc Guire, 1963: 245). هدف حقوق از برقراری مسئولیت کیفری و توصیف عمل مجرمانه و تعیین مجازات برای آن، صیانت از منافع عمومی جامعه و نظم و امنیت اجتماعی است (دادبان، ۱۳۷۷: ۱۴۷). مسئولیت کیفری، پل ارتباطی بین عمل مجرمانه و کیفر است. چنانچه عمل مجرمانه از سوی شخصی با شرایط خاص انجام شود، موجبات مسئولیت برای او ایجاد می‌شود و مجازات را برای وی به همراه دارد. از این رو حق تعقیب دعوای عمومی از آن جامعه است که آن را توسط نمایندگان خود (دادستان) به موقع اجرا می‌گذارد (آخوندی، ۱۳۸۴: ۳۵).

۲-۳. شرایط مسئولیت کیفری

برای تحقق مسئولیت کیفری شخص باید واجد اهلیت کیفری باشد و این توانایی در عقل، بلوغ و اختیار خلاصه می‌شود. یعنی صرفاً فرد عاقل، بالغ و مختار را می‌توان مجازات کرد و اگر یکی از این سه ویژگی در شخصی وجود نداشته باشد، وی اهلیت کیفری نخواهد داشت. براساس شرع مقدس اسلام، مشهور فقهای امامیه سن مسئولیت کیفری را برای پسران ۱۵ سال تمام قمری و برای دختران ۹ سال تمام قمری می‌دانند. عمده‌ترین دلیل مشهور در سن مسئولیت کیفری روایت حمزه بن حمران است^۱. در قانون نیز طبق ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی، سن بلوغ برای پسران پانزده سال تمام قمری و برای دختران نه سال تمام قمری است و افرادی که زیر این سنین قرار دارند، فاقد مسئولیت کیفری می‌باشند^۲. یکی دیگر از شرایط مسئولیت کیفری، لزوم وجود رشد کیفری در جرائم موجب حد و قصاص است. ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی در این باره مقرر می‌دارد: «در جرائم موجب حد یا قصاص، هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت

۱. صحیح حمزه بن حمران: از امام محمد باقر (ع) پرسیدم: چه موقع بر پسر، همه حدود الهی واجب می‌گردد و به سود و زیان او حکم شده، مؤاخذه می‌شود؟ امام (ع) فرمود: «وقتی که از یتیمی و کودک خجسته، صاحب ادراک و شعور شود». گفتم: آیا برای آن، حدی هست که با آن شناخته شود؟ امام (ع) فرمود: «وقتی که محتمل شود و به سن پانزده سالگی برسد یا شعور پیدا کند یا موی بر زهار او برآید، حدود الهی بر او اقامه و جاری می‌شود و به سود و زیانش حکم می‌شود». گفتم: چه موقع همه حدود الهی بر دختر واجب می‌شود و پاداش و کیفر می‌بیند؟ امام فرمود: «دختر مانند پسر نیست؛ زیرا دختر وقتی که شوهر کند و دخول با او صورت گیرد و نه سال داشته باشد، یتیمی او از بین می‌رود... و حدود (به طور کامل) به نفع و ضرر او جاری می‌شود...» (حر عاملی، ۱۴۲۷: ۳۰)

۲. ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی: «سن بلوغ در دختران و پسران به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است.»

آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به مجازات‌های پیش‌بینی‌شده در این فصل محکوم خواهند شد». در مورد موانع مسئولیت کیفری موارد متعددی وجود دارد؛ از جمله نبودن کامل شرایط مسئولیت کیفری، عوامل موجهه جرم، عوامل رافع مسئولیت کیفری و... که تبیین همه این موارد از مجال این بحث خارج است (برای توضیحات بیشتر ر.ک: اردبیلی، ۱۳۸۹: ۷۴؛ استفانی، ۱۳۷۷: ۴۸؛ نوربها، ۱۳۸۴: ۲۳۴؛ صانعی، ۱۳۸۰: ۶۷).

۴. تعریف مسئولیت انتظامی (انضباطی)

در باور عمومی، مسئولیت انتظامی ناظر بر مسئولیت ناشی از نقض آن دسته از تکالیف قانونی است که بر گروه مشخصی به واسطه عضویت در صنف خاصی و یا به عهده‌رفتن یا انجام مسئولیت، حرفه یا اقدام خاصی تحمیل شده است. در نظام حقوقی نیز مقررات انتظامی مفهومی مشابه دارد و عموماً از آن به مرز میان مسئولیت مدنی و کیفری تعبیر می‌شود (طباطبائی نژاد و صادقی مقدم، ۱۳۹۵: ۲). در واقع مسئولیت انتظامی ناظر بر مسئولیت ناشی از نقض آن دسته از قواعد حقوق عمومی است که با رویکردی حمایتی استانداردهایی را در خصوص اخلاق حرفه‌ای، کیفیت و امنیت رفتار اشخاص و شرکت‌ها وضع می‌کنند. این مقررات می‌تواند شامل قواعد مربوط به سلامتی و امنیت در محیط کار، سلامت عمومی و حفاظت از محیط زیست، ایمنی کالاها، ایمنی جاده‌ها، برخی زمینه‌های حمایت از مصرف‌کننده و مقررات عمومی ساختمان شود (Ogus, 2007: 378).

حقوق انتظامی به معنای دقیق کلمه شامل آگاهی از تخلفات نسبت به مقررات و وظایف و تعهدات و آگاهی از مجازات‌های مقرر برای تخلفات مزبور می‌باشد (سلطانی، ۱۳۸۷: ۱۳). اما می‌توان اظهار داشت که مسئولیت انتظامی با نقض مقررات صنفی به وسیله یک نفر از افراد آن صنف مانند صنف قضات، وکلا، کارشناسان دادگستری و... پدیدار می‌شود. در این حالات خطا نوع خاصی است که اساس آن انضباط شغلی و مسلکی است و از چهارچوب مسئولیت مدنی خارج بوده و مرتکب تخلف انتظامی تنها مسئولیت انتظامی دارد (رستمی و بهادری جهرمی، ۱۳۸۸: ۳).

همانند دیگر مسئولیت‌ها در فقه باب مجزایی در مورد مسئولیت انتظامی وجود ندارد و حتی فقها تعریفی از آن ارائه نداده‌اند، اما با تدقیق در روایات و منابع فقهی می‌توان به وجود این نوع مسئولیت در اسلام پی برد. مهم‌ترین احادیث در این رابطه، روایاتی است که امام علی (ع) کارگزاران متخلف خود را مجازات می‌کردند. یکی از مشهورترین مجازات‌های انتظامی توسط امام علی (ع) در مورد

تخلف ابن هرمه، مسئول بازار اهواز است که در این مورد مجازات انتظامی سنگینی را برای او مقرر کرده‌اند.^۱

در حقوق همانند مسئولیت کیفری و بر خلاف مسئولیت مدنی، قانون‌گذار تعریفی از مسئولیت انتظامی ارائه نداده، و در قوانین و دستورالعمل‌های مختلف فقط به ذکر مصادیق آن پرداخته است. اما مواردی که باعث ایجاد مسئولیت انتظامی می‌شود، به حدی است که به طور قطع می‌توان وجود چنین مسئولیتی را در حقوق کنونی ادعا کرد. در قوانینی همچون قانون رسیدگی به تخلفات اداری، قوانین رسیدگی به تخلفات قضات، و کلا، سردفتران، کارشناسان رسمی، قانون نظام پزشکی، قانون کار، قوانین و مقررات سازمان بورس و دیگر قوانین و مقررات مربوطه، بخش مهمی به تخلفات اداری و صنفی، مجازات‌های آن و شیوه رسیدگی در محاکم یا هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اختصاص یافته است.

در قوانین و مقررات مختلف گاهی لفظ «مسئولیت انتظامی» و «مجازات انتظامی» و گاهی «مسئولیت انضباطی» و «مجازات انضباطی» به کار رفته است. آیا دو واژه انتظامی و انضباطی^۲ از لحاظ لغوی و اصطلاحی با هم تفاوت دارند؟ لغت‌شناسان، نظم را به معنای آراستگی، هماهنگی، پیوستگی ترتیب زمانی یا عددی یا مکانی، رشته‌ی مروارید، میزان کردن، قاعده، قانون و... دانسته‌اند؛ انتظام به معنای ساماندهی یک محیط و تنظیم عوامل و مقررات در یک جامعه یا محیط در تعامل میان دولت و مردم ترکیب می‌گردد؛ انضباط نیز در لغت، به معنای استوار شدن، نگاه داشتن، رعایت قوانین و مقررات و نیز وفای به نظم است. کلمه‌هایی مانند صف، حد و حدود و تدبیر، بیان‌کننده جلوه‌های نظم‌اند (صادقی، ۱۳۹۱: ۱).

۳. ای رفاعة! زمانی که نام‌ها را خواندی، درباره‌ی ابن هرمه مسئول بازار اهواز چنین کن: بلافاصله عزلش کن، مسامحه و ممانعت نکن، و او را چنانکه هست، بی‌کم‌وبیش به مردم معرفی کن. او را حبس کن و اگر در مجازات او کوتاهی کنی خودت را عزل می‌کنم؛ این حکم خداست و باید اجرائش کنی. او را در نماز جمعه پیش چشم مردم شلاق بزن تا مردم ببینند. او را در کوچه‌ها و بازار اهواز بگردان تا همه ببینند و هر کس طلبی و مدرکی دارد، طلبش را از او بستاند. پایش را در زنجیر کن و به‌جز وقت نماز، زنجیرش را باز نکن. در زندان ملاقاتی نداشته باشد تا راه پاسخگویی به دادگاه را به او نیاموزند و او را به آزادی امیدوار نکنند. شبانگاهان وقتی زندانیان را برای هواخوری بیرون می‌بری او را نبر، مگر بررسی که بمیرد. اگر بدنش کشش داشت یک ماه بعد، یک نوبت دیگر هم ۳۵ ضربه شلاق به او بزن. گزارش عملکردت را در این باره برایم مکتوب بفرست و بگو که بعد این خانن چه کسی را انتخاب کرده‌ای (نعمان بن محمد مغربی، ۱۳۸۵، ق، ص ۵۳۲).

در مورد تخلفات قضات، وکلا، سردفتران، پزشکان در قوانین مربوطه از واژه انتظامی استفاده شده است. در قانون تعزیرات حکومتی نیز برای متخلفین «مجازات انتظامی» در نظر گرفته شده است. در قانون رسیدگی به تخلفات اداری، هیچ کدام از آن‌ها به کار نرفته است و واژه‌های تخلف اداری و مجازات اداری مشاهده می‌شود؛ هر چند اصطلاحاً به آن مجازات انتظامی می‌گویند. اما در قانون کار و آیین‌نامه انضباطی فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران و مقررات حوزه بازار سرمایه همچون دستورالعمل انضباطی کارگزاران و دستورالعمل انضباطی ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و در ماده ۱۷ قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها عنوان تخلفات انضباطی مشاهده می‌شود.

به نظر می‌رسد در روند قانون‌گذاری دقت کافی در به کار بردن این دو کلمه نشده است؛ از آنجا که واژه‌های انضباط و انتظام تقریباً واژه‌های مترادفی هستند و اگر دارای معانی متفاوت هم باشند حداقل در معانی «نظم داشتن، مرتب بودن، آراستگی و نظم و ترتیب» مشترک هستند (عمید، ۱۳۸۴: ۲۰۲ و ۲۰۸)، می‌توان گفت که قانون‌گذار آن‌ها را در معانی یکدیگر به کار برده است. دلیل این مدعا نیز قانون مقررات انتظامی هیئت علمی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی کشور می‌باشد. در عنوان این قانون کلمه انتظامی به کار رفته، در عنوان فصل دوم نیز همین کلمه به کار برده شده است اما در همان فصل و در ماده ۷ قانون مذکور، در بیان تخلفات انتظامی بیان می‌دارد: «تخلفات انتظامی و جرائم شامل تخلفات انضباطی و اعمال خلاف شرع و اخلاق عمومی به قرار زیر است...» که در این ماده هر دو کلمه انتظامی و انضباطی مشاهده می‌شود. برای توضیح کلمه جرم از اعمال خلاف شرع و اخلاق عمومی استفاده کرده و برای توضیح تخلف انتظامی، تخلف انضباطی را به کار برده است.

از سوی دیگر در آثار مربوط به حقوق کیفری و حقوق مدنی معمولاً در کنار تعریف مسئولیت کیفری و مدنی اشاره‌ای هم به مسئولیت انتظامی می‌شود تا تفاوت این سه مسئولیت از هم بازشناخته شود و یک ترکیب مصطلح و رایج در لسان حقوقی است (عبادپور، ۱۳۸۳: ۳ و ۴)، به همین خاطر ترجیح داده می‌شود در این نوشته از همین ترکیب «مسئولیت انتظامی» که موافق طبع نیز هست استفاده شود.

۱-۴. هدف مسئولیت انتظامی

فعالیت، شغل یا حرفه مشترک، افراد شاغل در آن حرفه را با حقوق و منافع مشترک و مشابهی مواجه ساخته است که از آن به حقوق صنفی یا حرفه‌ای تعبیر می‌شود. برای مطالبه این حقوق مشترک نیز هر صنف و حرفه، دارای شخصیت حقوقی مستقلی گردیده که برآیند افراد و اشخاص شاغل در آن حرفه است. مانند کانون وکلا، نظام پزشکی و... (هاشمی، ۱۳۹۱: ۶۱). پرداختن به فلسفه وجودی این اشخاص حقوقی و وظایف و اختیارات آن‌ها موضوع بحث دیگری است. یکی از اختیارات و وظایف این اشخاص، استیفاء حقوق و پیگیری آن در صورت نقض است. از جمله حقوق این اشخاص، حق آنان بر شهرت، اعتبار و حیثیت حرفه‌ای آنان است که موجب جلب اعتماد و رویکرد استفاده‌کنندگان از خدمات آن‌ها می‌شود. چنانچه شخصی از بیرون متعرض این حق گردد و به‌عنوان مثال با نوشتن مقاله، ساختن فیلم و مانند آن به حیثیت و اعتبار این حرفه و شاغلین آن لطمه بزند، توسط این شخص حقوقی مورد تعقیب قرار می‌گیرد. بدیهی است قالب معمول برای این تعقیب و پیگیری حق، تعقیب کیفری به اتهام افترا و توهین و مانند آن خواهد بود (سادات‌اخوانی، ۱۳۹۴: ۱۴).

اما آنچه بیشتر به اعتبار و حیثیت شاغلین این حرف لطمه می‌زند و موجب بی‌اعتمادی به این صنف و شاغلین آن می‌گردد و مسئولیت انتظامی را به همراه دارد، اقداماتی است که از درون صنف و توسط شاغلین آن انجام می‌گیرد. اگر فردی از افراد آن صنف یا اداره یا سازمان با تخلفی که انجام می‌دهد به حیثیت اداره لطمه وارد کند، آن صنف یا اداره می‌تواند به این تخلف رسیدگی کرده و حسب مورد مجازات‌های انتظامی را برای شخص متخلف اعمال کند (زالی، ۱۳۸۷: ۳۸۰). از شاغلین این حرفه خواسته می‌شود که حیثیت و اعتبار خود و حرفه خویش را پاس بدارند و با انجام رفتار و سلوکی که بر اخلاق حرفه‌ای مبتنی است، موجبات احترام و اعتماد آحاد جامعه را به آن صنف فراهم سازند.

بعد از بیان تعریفی از مسئولیت‌های سه‌گانه، باید به وجوه تمایز و تفاوت بین مسئولیت‌ها پرداخت تا مشخص شود که مسئولیت انتظامی به کدام یک از مسئولیت‌های مدنی و کیفری شباهت بیشتری دارد.

۵. تشابه و تعامل مسئولیت مدنی، کیفری و انتظامی

در این مبحث به سه شباهت مسئولیت‌های سه‌گانه که عبارت‌اند از شباهت در مبانی بنیادین، شباهت در اهداف بنیادین و سپس شباهت در قلمرو مشترک اشاره می‌شود.

۱-۵. شباهت در مبانی بنیادین

به طور کلی همه‌ی انواع مسئولیت به نوعی در اصل مسئولیت مشترک هستند. در این امر دو موضوع مقدر و مستتر است؛ اول این که امکان بازخواست در مورد موضوع مسئولیت وجود دارد و دوم اینکه ضمانت اجرایی به دنبال پدیدارشدن مسئولیت قابل تصور است. از این رو هرچند دامنه، قلمرو و ضمانت اجرای انواع مسئولیت‌ها با یکدیگر متفاوت است، نقطه‌ی مشترک، پذیرش اصل موضوع است. بدیهی است، تفاوت در قلمرو و دامنه‌ی مسئولیت نیز ناشی از ماهیت آن می‌باشد (محسنی و جوهر، ۱۳۹۳: ۱۹). بنابراین همان‌طور که مسئولیت کیفری و مدنی با یکدیگر از این جهت تشابه و البته از سایر جهات یادشده با یکدیگر تمایز دارند، مسئولیت انتظامی نیز به همین ترتیب با مسئولیت‌های دیگر شباهت دارد. به عبارت دیگر اشتغال ذمه در مسئولیت پدید می‌آید اما به تبع تفاوت‌های ماهوی موجب پدیدارشدن تفاوت در قلمرو و آثار آنان نسبت به یکدیگر می‌شود.

۲-۵. شباهت در اهداف بنیادین

هنجارهای اجتماعی ارزش یکسانی ندارند. این ارزش‌ها ریشه در عرف و سنت و اعتقادات مذهبی دارند. هرچند دامنه‌ی این ارزش‌ها بسیار وسیع است اما از حمایت یکسانی توسط جامعه برخوردار نیستند. اساساً هدف اصلی در تحمیل انواع مسئولیت‌ها، جبران زیان متضرر اعم از فرد یا جامعه است و شاخه‌های تخصصی مسئولیت، امکان این جبران را به بهترین شکل فراهم می‌کند (بادینی، ۱۳۸۳: ۲). برخلاف بلاکستون^۱ که معتقد بود ضمانت اجرای مدنی، در مقایسه با ضمانت اجرای کیفری، نقش بازدارندگی زیادی ندارد، عقیده‌ی بنیادین این بود که هدف حقوق جزا و مسئولیت مدنی یکی است؛ هم اعمال کیفر در حقوق جزا و هم الزام به جبران خسارت در مسئولیت مدنی

۱. بلاکستون، ویلیام (۱۷۲۳-۱۷۸۰) (Blackstone, William). حقوقدان انگلیسی که در دفاع از نظام حقوق عرفی انگلستان، به مثابه نظامی طبیعی و منسجم، رسالتهایی نوشت. در سال ۱۷۶۵-۱۷۷۰ شرح قوانین انگلستان را منتشر کرد. از ۱۷۴۶، وکیل دادگستری بود. در ۱۷۵۸، اولین استاد حقوق انگلیسی در آکسفورد شد. در ۱۷۷۰، مقام قاضی دادگاه عمومی را احراز کرد.

درصدد فراهم کردن موجبات پیروی از قوانین است. آستین نیز، هرچند که هدف مستقیم ضمانت اجرای مدنی را جبران خسارت زیان‌دیده می‌داند، اما به نظر وی هدف غیرمستقیم و بسیار مهم ضمانت اجرای مدنی همان هدف ضمانت اجرای جزایی، یعنی پیشگیری از جرائم است. (Williams, 1951: 144). به طور کلی هرگاه جامعه برای هر یک از ارزش‌ها، منزلت و جایگاه والاتری قائل باشد، بنابراین حمایت جدی‌تری را اعمال می‌کند. بر این اساس واکنش‌ها یا ضمانت‌اجراها نیز به همین منوال به صورت تقییح اجتماعی و تنبیه انتظامی تا کیفر و مجازات‌های سنگین و متناسب با میزان لطمه‌ای که شخص مرتکب به ارزش‌ها وارد کرده است، ظاهر می‌شود (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷: ۷).

۳-۵. شباهت در قلمرو مشترک

همانطور که اشاره شد، ارزش‌های اجتماعی به آنحاء مختلفی مورد حمایت قرار می‌گیرد. برخی از ارزش‌ها به وسیله مسئولیت کیفری و مدنی و برخی دیگر از طریق مسئولیت انتظامی تضمین می‌شوند. در عین حال پاره‌ای از موضوع‌ها بنا به مصالحی، تلفیقی از حمایت‌ها را در بر دارند (محسنی، جوهر، ۱۳۹۳: ۲۰). به‌عنوان مثال می‌توان به جرائمی اشاره کرد که در عین حال تخلف نیز محسوب می‌شوند؛ مانند جرم اختلاس که هم طبق قانون مجازات اسلامی و قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری جرم‌انگاری شده و هم طبق قانون رسیدگی به تخلفات اداری تخلف محسوب می‌شود. یا طبق همین قانون اگر دلائل یکی از تخلفات به شخص یا اشخاصی ضرر مادی یا معنوی وارد شود، علاوه بر ایجاد مسئولیت انتظامی، تابع احکام مسئولیت مدنی است.

از سوی دیگر استفاده از ضمانت‌اجرای کیفری برای تضمین رعایت تعهدات مدنی و انتظامی امر جدیدی نیست. به طور مثال در حیطه تعهدات مدنی، ماده ۲۱۸ قانون مدنی، معامله به قصد فرار از دین و صوری را باطل اعلام می‌کند. بطلان این نوع معامله، مسئولیت مدنی را برای طرفین عقد فراهم می‌آورد. قانون‌گذار کیفری، این فعل مغایر با عرف و ارزش‌های جامعه را به موجب ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، جرم‌انگاری کرده است. در پاره‌ای موارد قلمرو ضمانت‌اجراهای کیفری از این نیز فراتر می‌رود. به طور مثال ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری ۱۳۶۷، قانون‌گذار در راستای تضمین ارزش‌های جامعه و عدم حمایت از بیعی که با کلاهبرداری منعقد شده است، از هر دو نوع ضمانت اجرای حقوقی و کیفری توأمان استفاده می‌کند. به عبارت دیگر علاوه بر ضمانت اجرای کیفری، مقرر می‌کند که مرتکب جرم باید

مال موضوع جرم را به صاحبش بازگرداند. این ضمانت اجرا یعنی حقوق کیفری در حیطه تعهدات مدنی دخالت می‌کند؛ چرا که لازمه رد اصل مال به صاحب آن اعلام بطلان عقد است. حال آنکه بیع باطل فقط در تملک بلااثر بوده و آثار تملک را به دنبال ندارد (ماده ۳۶۵ قانون مدنی). از این رو شاید بیع به نحو صحیح و بدون ایجاد حق فسخ به وجود آمده باشد اما از نظر احراز عناصر کلاهبرداری مشمول هر دو ضمانت اجرای بیان شده می‌شود (همان: ۲۱).

بنابراین ملاحظه می‌شود که تعهدات مختلف در شاخه‌های گوناگون حقوق از ضمانت‌اجرای کیفری سود می‌برند. به همین ترتیب گاهی مسئولیت کیفری و مدنی به‌عنوان پشتوانه‌ای برای مسئولیت انتظامی موجب تقویت آن می‌شوند.

۶. تفاوت‌های بین مسئولیت‌های مدنی، کیفری با مسئولیت انتظامی

برای تبیین بهتر موضوع، تفاوت‌های بین این سه مسئولیت در ۳ بند به طور مشروح بیان می‌شود که منتج به استنباط مفهوم مسئولیت انتظامی و جایگاه آن در کنار مسئولیت‌های دیگر شود.

۱-۶. تفاوت در قلمرو، تغییر پذیری و کارایی

هدف حقوق از برقراری مسئولیت کیفری و توصیف عمل مجرمانه و تعیین مجازات برای آن، صیانت از منافع عمومی جامعه و نظم و امنیت اجتماعی است (دادبان، ۱۳۷۷: ۱۹۲). در مسئولیت مدنی، هدف، جبران خسارت زیان‌دیده و برگرداندن او به حالت نخستین است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۶۷۳). ولی در مسئولیت انتظامی هدف اصلی تنبیه متخلف و جبران خسارتی است که به اداره یا سازمان متبوع وارد می‌شود (Clarke, 2001: 11-12).

بعضی از جرائم در مسئولیت کیفری وجود دارند که کمابیش مجازات سنگینی دارند ولی چون به دیگران ضرر نمی‌زنند با مسئولیت مدنی همراه نیستند؛ مثل ولگردی و تکدی‌گری. در مسئولیت مدنی نیز، هر نوع ضرر به دیگری لزوماً جرم نیست و موجب مسئولیت کیفری نمی‌شود؛ مثل تصرف مالک در ملک خود که به شخص همسایه در اثر این تصرف ضرر وارد کند (میرسعیدی، ۱۳۸۳: ۳۶). همین‌طور برخی از تخلفات انتظامی ممکن است مسئولیت‌های دیگر را در پی داشته یا نداشته باشند. بر این اساس ۳ فرض قابل تصور است:

۱- برخی از انواع مسئولیت انتظامی ضمانت اجرای کیفری دارند که در این موارد هر دو نوع مسئولیت بر یکدیگر منطبق می‌شوند. به‌عنوان مثال می‌توان به ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری اشاره کرد که در آن برخی اعمال همچون اختلاس و توهین و افترا هر دو مسئولیت را در پی دارد.

۲- برخی از انواع مسئولیت انتظامی، مسئولیت کیفری ندارد اما مسئولیت مدنی در پی دارد. در واقع قانون این گونه موارد را جرم‌انگاری نکرده است اما به لحاظ ضرری که ممکن است به اداره یا اشخاص دیگر وارد شود، مسئولیت مدنی برای آن پدید می‌آید (همت فر و دیگران، ۱۳۹۱: ۶).

۳- در پاره‌ای از موارد، مسئولیت انتظامی ضمانت اجرای کیفری و مدنی ندارد. در حقیقت مسئولیت انتظامی نوعی مسئولیت خاص است که احکام به‌خصوصی نیز دارد. گاهی وقت‌ها شاید مواردی که مسئولیت انتظامی به بار می‌آورد، به مسئولیت‌های اخلاقی نزدیک شود؛ نظیر مسئولیت پزشک یا کارمند اداره در صورت داشتن اخلاق و رفتار خلاف شئون شغلی و حرفه‌ای (محسنی و جوهر، ۱۳۹۳: ۱۴).

در مسئولیت کیفری ضرر و زیان وارده بیشتر متوجه جامعه می‌شود؛ چون عمل ارتكابی شخص، محل نظم جامعه است و این بی‌نظمی باعث اضرار به دیگران است. در مسئولیت مدنی چون عمل ارتكابی شخص محل نظم عمومی نیست، لذا جامعه از خود دفاع نکرده و متضرر از جرم، «شخص خواهان» بایستی خسارت‌های وارده از ناحیه زیان‌زننده را مطالبه کند (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۶۵-۷۱). در صورتی که در مسئولیت انتظامی عمل ارتكابی محل نظم همان اداره یا صنف است و همان اداره یا صنف جبران خسارت می‌کند. پس مفهوم این بند به این شکل است که مسئولیت مدنی در مقابل فرد است و مسئولیت کیفری در مقابل جامعه (باوی و بهمنی، ۱۳۹۳: ۲۰) و مسئولیت انتظامی در مقابل اداره یا سازمان یا صنف خاص می‌باشد.

در مورد خسارات مالی استقبال عمومی به ایجاد مسئولیت مدنی است. برای افراد جامعه قابل پذیرش نیست که در اثر ایجاد زیان مالی، مرتکب را مجازات کنیم. اما به دلیل وجود کیفرهای سرکوب‌گرانه و ترذیلی در مسئولیت کیفری، اشخاص تمایل زیادی به استفاده از این نوع مسئولیت در مقابله با نقض تعهدات و ارزش‌های مورد حمایت جامعه دارند. اقدام‌های سرکوب‌گرانه به طور کامل شناخته شده، مورد حمایت قانون‌گذار و اقبال عمومی هستند. فرهنگ عمومی مردم نیز تمایل به استفاده از ضمانت‌اجراهای کیفری است. دلیل این موضوع را می‌توان قدمت مسئولیت‌های کیفری

و ضمانت اجراهای آن، ملموس بودن این نوع مسئولیت و جنبه پیشگیرانه آن دانست (امیدبانی، ۱۳۸۹: ۹۵). اما در مقابل، به دلیل آنکه مسئولیت انتظامی سابقه طولانی در قوانین ندارد، استقبال عمومی از قبول این نوع مسئولیت نسبت به دیگر مسئولیت‌ها کمتر است؛ هرچند این مسئولیت در جای خود از دیگر مسئولیت‌ها کارا تر و مؤثرتر است.

۲-۶. تفاوت در شرایط احراز مسئولیت و رسیدگی به آن

در مسئولیت کیفری برای تحقق جرم، وجود قصد انجام عمل مجرمانه و یا تحقق عنصر روانی جرم «تقصیر یا اشتباه جزایی» (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۸۱) که شامل: بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی است، از سوی مرتکب جرم در تمام جرائم عمدی و غیر عمدی الزامی است. ولی در مسئولیت مدنی نیازی به اثبات قصد انجام فعل مجرمانه وجود ندارد؛ بلکه خطایی که شخص انجام می‌دهد موجب ایجاد مسئولیت مدنی می‌شود که به طور معمول از همان تقصیر جزایی که مصادیق آن اشاره شد برای خطا و اثبات تقصیر در مسئولیت مدنی استفاده می‌شود. برای تحقق مسئولیت مدنی وجود سه رکن لازم است و با پیدایش ارکان سه گانه، مسئولیت محقق و واردکننده خسارت ملزم به جبران خسارت می‌باشد (ضرر، فعل زیانبار، رابطه علیت بین عمل و ضرر) (سپهوند، ۱۳۵۳: ۶). در مسئولیت انتظامی نظرات مختلفی در این مورد وجود دارد؛ مشهورترین آن نظری است که به طور مطلق هرگونه رفتار خلاف شئون و حیثیت شغلی را خطای انتظامی محسوب کرده است. در این دیدگاه، لزومی ندارد که ممنوعیت آن فعل در مقررات صنفی تصریح شده باشد و یا فرد مرتکب تقصیری شده باشد؛ همین که فعل، مغایر منافع مشترک گروه باشد کافی است تا آن فعل، خطای انتظامی محسوب شود. (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۱۲۳). یکی از نویسندگان قائل به لزوم وجود تقصیر است: «در دعوی مسئولیت انتظامی، علاوه بر اثبات فعل (یا ترک فعل) پزشک و سببیت آن در ایراد خسارت معنوی به جامعه پزشکی، باید تقصیر انتظامی پزشک ثابت شود. این تقصیر، نه به عنوان عنصر معنوی تخلف انتظامی، بلکه به معنی نقض یکی از موارد سه گانه مبنای مسئولیت انتظامی است. پس فارغ از قصد یا نیت پزشک، هنگامی او با مسئولیت انتظامی مواجه می‌شود که فعل او در مقام نقض قوانین و مقررات، اصول اخلاق حرفه‌ای یا موازین علمی و فنی بوده و موجب هتک حیثیت جامعه پزشکی شود. اثبات هر سه رکن (ارتکاب فعل یا ترک فعل، تقصیر انتظامی و ورود خسارت

معنوی) بر عهده دادستان انتظامی است» (سادات اخوی، ۱۳۹۴: ۳۳-۳۴). به نظر می‌رسد این نظر به عدالت نزدیک‌تر است.

مراحل کشف و رسیدگی و تعقیب جرم در امور کیفری به وسیله ضابطان دادگستری و مقامات دادسرا انجام خواهد شد. در حالی که مراحل رسیدگی و تشریفات قضایی در امور مدنی با طرح دعوا در دادگاه حقوقی قابل رسیدگی می‌باشد (باوی و بهمنی، ۱۳۹۳: ۲۰-۲۱). در مسئولیت انتظامی نیز این وظیفه گاهی بر عهده دادسرا و دادگاه‌های انتظامی است (مانند دادسرا و دادگاه انتظامی قضات، و کلا، ...) و گاهی نیز بر عهده هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداره یا سازمان می‌باشد. (مانند هیئت رسیدگی به تخلفات اداری و هیئت رسیدگی به تخلفات سازمان بورس)

در مسئولیت مدنی چون حق شخصی اشخاص است و با ایجاد آن به اشخاص دیگر یا جامعه ضرری وارد نمی‌شود، زیان دیده می‌تواند قبل یا بعد از انجام عمل، با رضایت خود از اقامه دعوا یا ادامه آن صرف نظر کند. در قوانین کشورهای اسلامی، قتل به درخواست مجنی علیه مقررات خاصی ندارد و در نتیجه مطابق قواعد عمومی قصاص رفتار می‌شود. در حقوق اسلام حق حیات، متعلق به انسان نیست، بلکه مربوط به خداوند است. در نتیجه کسی حق ندارد درخواست قتل خود را کند و دیگران نیز حق اجابت چنین درخواستی را ندارند. لذا در مسئولیت کیفری چون به حق جامعه نیز خدشه وارد می‌شود، رضایت شخص مبنی بر اینکه جرمی علیه او اتفاق بیافتد، رافع مسئولیت کیفری برای مجرم نیست (زراعت، ۱۳۸۹: ۱). البته بعد از وقوع جرم، در جرائم قابل گذشت، رضایت مجنی علیه باعث قرار موقوفی تعقیب یا اجرای کیفر می‌شود (ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری). با توجه به صدر ماده ۱۰۳ قانون مجازات اسلامی، اصل بر غیرقابل گذشت بودن جرائم است و جرائم قابل گذشت در ماده ۱۰۴ قانون مذکور احصا شده است. در جرائم غیر قابل گذشت رضایت مجنی علیه حتی بعد از وقوع جرم نیز تأثیری ندارد (همان: ۳). به نظر می‌رسد اصل غیرقابل گذشت بودن در امور کیفری، قابل اعمال در مسئولیت انتظامی هم باشد. زیرا در هر صورت در هر دو مورد حقی غیر شخصی مورد تعرض واقع شده است؛ در یک جا به جامعه و در جای دیگر به اداره یا سازمان و چون در هیچ یک از قوانین و مقررات مربوط به رسیدگی‌های انتظامی بحثی راجع به قابل گذشت بودن تخلفات وجود ندارد، پس می‌توان نتیجه گرفت در مسئولیت انتظامی نیز رضایت در آن تأثیری ندارد؛ زیرا یک حق شخصی نیست که زیان دیده بتواند از آن درگذرد بلکه زیانی است که به اداره یا سازمان وارد شده و غیر قابل گذشت است.

آیین رجوع و شیوه جبران خسارت از مسائل مهم مسئولیت مدنی است؛ زیرا تسریع در جبران خسارت از عناصر اساسی حمایت از زیان‌دیده می‌باشد (ایزنلو، ۱۳۸۷: ۴۸). در نظام مسئولیت مدنی جدا از نظام‌های مکملی که شکل گرفته، دستیابی به عدالت یک پروسه زمان‌بر، پرهزینه و طولانی است. لزوم طرح دعوا و در بسیاری موارد رجوع به کارشناس و برگزاری جلسات متعدد دادرسی که اثبات عناصر مسئولیت مدنی در آن‌ها نیاز است و در آخر، زمان طولانی اجرای احکام دادگاه‌ها در صورت پیروزی، موجب شده است که زیان‌دیده به سادگی به حق خود نرسد و وضعیت عدالتی که به هم خورده است، به زودی به تعادل بازنگردد (طباطبائی نژاد و صادقی مقدم، ۱۳۹۵: ۱۲). در مسئولیت کیفری نیز اصل بر سرعت در رسیدگی و احقاق حق است و حتی اگر نسبت به جرمی دعوی کیفری و دعوی حقوقی توأمان مطرح شده باشد و پرونده از لحاظ کیفری آماده صدور رأی باشد، دادگاه می‌تواند و باید در مورد کیفری رأی صادر کرده و برای جنبه حقوقی رسیدگی را ادامه دهد (ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری)، اما در عمل به خاطر کثرت پرونده‌ها در مراجع کیفری و عوامل دیگر دخیل در رسیدگی، در این مراجع نیز شاهد اطاله دادرسی هستیم. در مقابل در نظام مسئولیت انتظامی، صرف تشخیص مقام عمومی برای ایجاد تعادل دوباره کافی است؛ زیرا نه رسیدگی مقدماتی نیاز است و نه اجرای حکم احتیاج به پروسه زمان‌بر قضایی دارد. اگرچه در بعضی موارد تشخیص مقام اداری می‌تواند موضوع یک رسیدگی در مرجع قضایی باشد، این مسئله مانع چندانی در تحقق تعادل اداری ایجاد نمی‌کند. برای اجرای کیفر نیز این مسأله مشهود است. در رسیدگی‌های انتظامی به محض صدور رأی، آن رأی اجرا می‌شود؛ مثلاً مجوز کارگزاری لغو شده و از لیست کارگزاران خارج می‌شود یا کارمند پس از صدور رأی به انفصال دائم، دیگر کارمند محسوب نمی‌شود.

در یک دید کلی نظام مسئولیت مدنی با هم‌گرایی و همکاری با حقوق کیفری و مسئولیت انتظامی چهارچوب‌های نظام عدالت را تشکیل می‌دهند (خدابخشی، ۱۳۸۸: ۲۱۲). افزون بر این، در درون خود نظام مسئولیت مدنی نیز تأسیساتی مانند نظام بیمه و تأمین اجتماعی باعث می‌شود که نواقص سیستم پوشش داده شود و کارکرد جبرانی این نظام با موفقیت بیشتری همراه باشد (طباطبائی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰)؛ در مقابل، نظام کیفری و مسئولیت انتظامی بنا بر رویه عمومی دارای چنین مکانیسم‌های مکملی نیستند.

کارایی سیستم‌های تغییر و تنظیم رفتار، نیازمند آگاهی افراد و عناصر دخیل نسبت به موضوع و ضمانت‌اجراهای مقرر قانونی است. فرض «علم به قانون» یک عنصر اساسی در نظام ضمانت‌اجرا

است. اما به هر حال این واقعیت وجود دارد که تکیه صرف بر انتشار قانون از طریق روزنامه رسمی نمی‌تواند به تنهایی لوازم انصاف را تضمین کند. نظام مسئولیت مدنی و کیفری بیشتر بر قوانین مصوبی تکیه دارد که به صورت عمومی و فراگیر قابل اجرا است و در نتیجه گروه مشخصی را مدنظر قرار نمی‌دهد. بر این اساس قانون پس از تصویب قوه مقننه و انتشار در روزنامه رسمی به صورت ویژه، مورد توجه آحاد مردم قرار نمی‌گیرد. این تنها قضات، وکلا و دانش‌آموختگان رشته حقوق خواهند بود که به تناسب حوزه کاری از این قوانین آگاه می‌شوند؛ درحالی که افراد ذی‌نفع این قوانین بسیار گسترده‌ترند. در مقابل، قواعد انتظامی از آنجا که گروه ویژه و صنف خاصی از اشخاص را در بر می‌گیرند، مکانیسم مؤثرتری برای اطلاع‌رسانی در این حوزه دارند. در واقع در بسیاری موارد اطلاع از این قوانین و مقررات لازمه ورود به صنف خاصی است که این مقررات به‌طور مستقیم در اقدامات آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد و یا این اشخاص به واسطه کثرت اعمال در طول دوره اجرای حرفه خود به تدریج با این مقررات آشنا می‌شوند (طباطبائی نژاد و صادقی مقدم، ۱۳۹۵: ۶). در حقیقت، برخورد کارمندان و کارگران اداره‌ها یا اصناف خاص با قوانین انتظامی و توجه روزمره آن‌ها به اعمال این قوانین، آگاهی نسبی در آن‌ها ایجاد می‌کند؛ در حالی که در نظام مسئولیت مدنی و کیفری این استانداردها به صورت موردی و پس از وقوع حادثه، در دادگاه به آن‌ها توجه می‌شود. بر این اساس در ارزیابی معیار آگاهی حداکثری و عمومی از مفاد قانون می‌توان گفت که نظام مقررات انتظامی نسبت به نظام مسئولیت مدنی و کیفری اولویت دارد.

مقررات انتظامی با توجه به ماهیت سیال و متغیری که دارند، قابلیت تغییرپذیری بیشتری دارند. برای نمونه حقوق رقابت از جمله زمینه‌هایی است که تحولات فلسفی و اندیشه‌های مبتنی بر بازار آزاد وجود آن را ضروری ساخته و مقررات آن به‌عنوان ابزار کنترل دولت بر بازار دائماً در حال تغییر و تحول است. تنظیم این مقررات در بیشتر موارد در دست نهادهای دولتی است که از یک سو موجب نظارت مستمر بر تحولات اجتماعی می‌شود و از سوی دیگر به دلیل سادگی نظام تصویب، زمان و هزینه کمتری را برای تغییر مصوبات ضروری می‌سازد. افزون بر این، برخلاف نظام مسئولیت مدنی و کیفری که منشأی در دل قوانین مدنی و جزایی به‌عنوان قوانین مادر و بنیادین نظام حقوقی دارد، مقررات انتظامی صرفاً چهره‌ای از رویکرد مستمر و در حال تغییر نظام حاکمیت در رویارویی

با تحولات اجتماعی است (Kottenhagen, 2007: 11)؛ همانند آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های کثیری که سازمان بورس برای مواجهه با تحولات جدید تصویب و مدام در حال تغییر و به‌روزرسانی می‌باشد.^۱ هم‌گرایی و یکسان‌سازی در قواعد انتظامی بیش از نظام مسئولیت مدنی و کیفری است. در نظام مسئولیت مدنی گرچه تلاش‌های متعددی برای یکسان‌سازی قواعد ماهوی در عرصه بین‌المللی به‌خصوص در اتحادیه اروپا صورت پذیرفته است، این تلاش‌ها به‌جز در برخی مصادیق خاص مانند مسئولیت ناشی از عیب تولید یا به صورت محدود در مسئولیت ناشی از خسارات زیست‌محیطی با ناکامی همراه بوده است. در مسئولیت کیفری وضع به مراتب دشوارتر است؛ زیرا نظم عمومی و اخلاق حسنه در کشورهای مختلف، معانی متفاوت و گاه متعارضی دارند که باعث تعدد و تنوع قوانین کیفری در کشورهای مختلف می‌شوند. در مقابل، نظام‌های حقوقی آمادگی بیشتری برای یکسان‌سازی قواعد در حوزه‌ی قواعد انتظامی به نسبت نظام مسئولیت مدنی و کیفری دارند. دلیل آن این است که قواعد نظام مسئولیت انتظامی ارتباط کمتری با رویه، فرهنگ و تاریخ کشورها دارد. بر این اساس، کنوانسیون‌های متعددی در این خصوص به تصویب رسیده است تا استانداردهای کشورهای مختلف در زمینه‌های گوناگون را یکسان کند. این مسئله به‌خصوص درباره اقداماتی که تأثیرگذاری آن‌ها فراتر از مرزهای کشورهاست بیشتر دیده می‌شود. برای نمونه، اصل حرکت آزاد کالاها در اتحادیه اروپا این امر را ضروری ساخته است تا استانداردهای تولید کالا در این کشورها در سطح گسترده‌ای یکسان شود^۲ و امنیت و سلامت کشورهای پیشرفته به واسطه رعایت نکردن این استانداردها در کشورهای کمتر توسعه‌یافته به خطر نیفتد (Kottenhagen, 2007: 2). مثال دیگری که می‌توان در این زمینه بیان نمود این است که در صنف سردفتران، اتحادیه جهانی سردفتران ایجاد شده است تا یکسری راهکارهای مشابه در مورد ثبت اسناد در تمام دنیا ایجاد کند و در ایران نیز شاهد تأثیرگذاری این اتحادیه در مورد برگه‌های جدید ثبتی می‌باشیم. با این حال، قواعد انتظامی به دلیل پیگیری سیاست‌های گاه متعارض در کشورهای مختلف به نوعی منجر به رقابت در تدوین مقررات^۳ شده است.

۱. برای مطالعه بیشتر به پایگاه قوانین و مقررات بازار سرمایه به آدرس <http://cmr.seo.ir/> مراجعه فرمایید.

۲. Directive 2001/95/EC of the European Parliament and of the Council of 3 December 2001 on General Product Safety OJ No L 11 of 15 January 2002

۳. Regulatory Competition

۳-۶. تفاوت در ضمانت اجراها

یکی از تفاوت‌های اصلی بین مسئولیت مدنی، کیفری و انتظامی در ضمانت اجراهای آن‌ها می‌باشد. ضمانت اجرا در مسئولیت مدنی، جبران خسارت است و هیچ چیزی علاوه بر جبران خسارت بر مرتکب بار نمی‌شود. مجازات کیفری ۲ نوع است؛ برخی تحمیل یک عامل بیرونی به متخلف است؛ مانند جزای نقدی، شلاق و برخی دیگر سلب آزادی‌هایی است که جامعه به انسان و به ما هو انسان داده است؛ مانند زندان. این دو نوع از مجازات‌ها از سنخ مجازات‌های کیفری هستند و تنها قاضی است که می‌تواند به این موارد حکم دهد (اصل ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی). اما تنبیه انتظامی (مجازات انتظامی)^۱ مجازاتی است که به فرد خاطی یا متخلف تحمیل می‌شود که در منتهی آن چیزی که به او داده‌اند می‌گیرند، نه اینکه چیزی اضافه بر آن به او تحمیل کنند و نه اینکه حقوقی که جامعه برای او در نظر گرفته است را محدود کنند. در آیین‌نامه اجرایی قانون بازار اوراق بهادار همه نهادها و تشکل‌هایی که بر اساس قانون مجوز تأسیس یا فعالیت خود را از شورا یا سازمان دریافت کرده باشند، به‌عنوان نهادها و تشکل‌های تحت نظارت معرفی شده‌اند.^۲ در بازار سرمایه به جای این عبارت، غالباً از اصطلاح «اشخاص تحت نظارت» استفاده می‌شود و منظور از آن کلیه اشخاصی هستند که تحت نظارت ارکان بازار سرمایه به فعالیت می‌پردازند (سلطانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۰-۴۱)؛ یعنی این سازمان یا شورا به این اشخاص امتیازاتی می‌دهد (به‌عنوان مثال مجوز برای کارگزاری‌ها) و در صورت تخلف و برای مجازات، همین امتیاز اعطایی را از آنان سلب می‌کند. اما نمی‌تواند یک عامل بیرونی را به آن تحمیل کند یا در تخلفاتی که توسط وکلا صورت می‌گیرد کانون فقط می‌تواند پروانه و کالت و کیل را باطل کند. همچنین می‌توان به مجازات یا تنبیه دیگر اصناف همچون پزشکان، سردفتران و کارمندان دولت اشاره کرد. تفاوت دیگری که در حوزه ضمانت اجرا دارند، شدت و تأثیرگذاری آن است. اساساً ضمانت اجرای کیفری بالاترین تضمین و

۱. مجازات، واکنش اجتماعی در مقابل عملی است که منافع عمومی جامعه را مورد تهاجم قرار داده و به آن لطمه می‌زند (سادات اخوی، ۱۳۹۴: ۱۱). بر این اساس لفظ مجازات منحصر به استعمال برای جرم نمی‌باشد، بلکه مجازات کیفری است که ضمانت اجرای جرایم است. پس کلمه مجازات می‌تواند در جاهای دیگر همچون مجازات انتظامی استفاده گردد. منظور از مجازات انتظامی همان تنبیه متخلف است. به عبارت دیگر متخلف به خاطر تخلف انتظامی که انجام داده باید مکافات شود و مجازاتش هم از نوع انتظامی است نه کیفری. در ماده ۴۰ قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها لفظ مجازات اداری را به کار برده است. پس فرقی بین مجازات و تنبیه قائل نیست.

۲. بند ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون بازار مصوب ۱۳۸۶/۴/۳

سخت‌ترین واکنش در قبال نقض ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به شمار می‌رود. البته این امر به منزله سست و یا ضعیف بودن ضمانت اجراهای انتظامی نیست. برخی از تعهدات انضباطی، ضمانت اجرای کیفری ندارند (محسنی و جوهر، ۱۳۹۳: ۲۰-۲۲). به‌عنوان مثال می‌توان از اعمال خلاف شئون شغلی یا اداری نام برد که در اینگونه موارد هرچند نقض آن‌ها ضمانت اجرای کیفری را به دنبال ندارد اما گاهی اوقات ضمانت اجرای انتظامی آن به گونه‌ای است که در عمل از ضمانت اجرای کیفری مؤثرتر می‌باشد؛ زیرا بعضاً نقض اینگونه امور موجب انفصال موقت یا دائم شخص می‌شود که به مراتب از تحمل چند ماه حبس یا جزای نقدی شدیدتر است. مثال دیگری که می‌توان اشاره کرد این است که در برخی موارد در رسیدگی‌های هیئت رسیدگی به تخلفات سازمان بورس آرایبی صادر می‌شود که متخلف را به پرداخت مبالغ هنگفتی به‌عنوان جزای نقدی محکوم می‌کند که شاید در هیچ دادگاه کیفری‌ای چنین مبالغی برای مجازات یک جرم تعیین نشود. براین اساس می‌توان گفت که ضمانت اجراهای انتظامی در جای خود می‌تواند از ضمانت اجراهای کیفری مؤثرتر و حتی در برخی موارد شدیدتر و خشن‌تر باشد؛ این موارد استثنایی است و غالباً ضمانت اجراهای کیفری از ضمانت اجراهای مدنی و انتظامی شدیدتر است. البته برخی ضمانت اجراها در مسئولیت کیفری به دلیل سنگین بودن عمل مجرمانه در سجل کیفری مجرم ثبت می‌شوند که این مورد نیز در مسئولیت انتظامی وجود ندارد.

نتیجه

مسئولیت انتظامی نوع جدیدی از مسئولیت است که در حقوق کنونی به دلیل نیازهای جامعه ایجاد شده است که سازوکارهای مشخص و مجزایی از دیگر مسئولیت‌ها دارد. هرچند در برخی مصادیق کاملاً به سمت مسئولیت مدنی یا کیفری گرایش پیدا می‌کند، نمی‌توان از این نتیجه گرفت که این نوع از مسئولیت در واقع مصداق یا تلفیقی از دو مسئولیت دیگر است.

در حقوق همانند مسئولیت کیفری و بر خلاف مسئولیت مدنی، قانون‌گذار تعریفی از مسئولیت انتظامی ارائه نداده و در قوانین و دستورالعمل‌های مختلف فقط به ذکر مصادیق آن پرداخته است. اما مواردی که باعث ایجاد مسئولیت انتظامی می‌شود به حدی است که به طور قطع می‌توان وجود چنین مسئولیتی را در حقوق کنونی ادعا کرد. در قوانینی همچون قانون رسیدگی به تخلفات اداری، قوانین رسیدگی به تخلفات قضات، وکلا، سردفتران، کارشناسان رسمی، قانون نظام پزشکی، قانون

کار، قوانین و مقررات سازمان بورس و دیگر قوانین و مقررات مربوطه، بخش مهمی به تخلفات اداری و صنفی، مجازات‌های آن و شیوه رسیدگی در محاکم یا هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اختصاص یافته است. در واقع مسئولیت انتظامی ناظر بر مسئولیت ناشی از نقض آن دسته از قواعد حقوق عمومی است که با رویکردی حمایتی استانداردهایی را در خصوص اخلاق حرفه‌ای، کیفیت و امنیت رفتار اشخاص و شرکت‌ها وضع می‌کند.

با توجه به موارد فوق هرچند مسئولیت انتظامی شباهت بیشتری با مسئولیت کیفری دارد اما نمی‌توان آن را کاملاً تابع مسئولیت کیفری دانست. یکی از تفاوت‌های مهم، ضمانت‌اجراهایی است که دو مسئولیت با یکدیگر دارند. از دیگر تفاوت‌ها این است که برخی از جرائم در سجل کیفری مجرم ثبت می‌شوند اما چنین تدابیری در مسئولیت انتظامی اندیشیده نشده است. به نظر می‌رسد رابطه منطقی مسئولیت انتظامی و کیفری از نظر قلمرو به صورت عموم و خصوص من وجه است. یعنی پاره‌ای از مصادیق مسئولیت انتظامی بر مسئولیت کیفری منطبق هستند و در پاره‌ای از موارد نیز مسئولیت‌ها مستقل از یکدیگر هستند؛ لذا پیشنهاد می‌گردد، قانون‌گذار، با وضع مقررات خاص و تعیین دقیق حدود و ویژگی این نوع از مسئولیت و اصول حاکم بر آن، به طور مشخص و معین احکام آن را تبیین کند.

فهرست منابع

فارسی

- قرآن کریم.
- آخوندی، محمود (۱۳۸۴)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
- امیدبانی، سید حسین (۱۳۸۹)، **نقش سنت حسنه وقف در توسعه علم و جایگاه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها**، پژوهشنامه مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۲۱، صص ۸۹ تا ۱۳۹.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۹)، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، چاپ بیست و چهارم، تهران: میزان.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۳)، **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، چاپ سی و دوم، نشر میزان: تهران.
- امامی، حسن (۱۳۷۸)، **حقوق مدنی**، جلد اول، چاپ پانزدهم، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۷۸)، **کلیات تعهدات - وقایع حقوقی**، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- ایزانلو، محسن (۱۳۸۷)، **نقد و تحلیل قانون اصلاح قانون بیمه اجباری**، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۴، صص ۳۷ تا ۵۶.
- بادینی، حسن (۱۳۸۳)، **هدف مسئولیت مدنی**، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، زمستان، شماره ۶۶، صص ۱ تا ۵۵.
- بادینی، حسن (۱۳۸۴)، **فلسفه مسئولیت مدنی**، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- باوی، محمود؛ بهمنی، مجید (۱۳۹۳)، **مقایسه تقصیر در مسئولیت مدنی و کیفری**، دانش و پژوهش حقوقی، شماره ۶، صص ۱ تا ۲۶.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۰)، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۳)، **دوره حقوق مدنی حقوق تعهدات**، ج ۱، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- حسینی، سیدمحمد و اسحاقی، الهام (۱۳۹۴)، **مسئولیت کیفری و مدنی ناشی از فعالیت ورزشی**، دو فصلنامه دانش حقوق مدنی، سال چهارم، شماره نخست، صص ۵۵ تا ۶۷.
- خدابخشی، عبدالله (۱۳۸۷)، **نقش قواعد مدنی در شناسایی مسئولیت کیفری شخص حقوقی**، فقه و حقوق، شماره ۱۷، صص ۱۲۱ تا ۱۵۰.
- دادبان، حسن (۱۳۷۷)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- رستمی، ولی و بهادری جهرمی، علی (۱۳۸۸)، **مسئولیت مدنی دولت**، مجله حقوق اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۲۹، صص ۶۹ تا ۱۰۵.

- زالی، محمدرضا (۱۳۸۷)، **مبانی نوین ارتباط پزشک و بیمار**، چاپ دوم، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی حقوقی سینا.
- زراعت، عباس (۱۳۸۹)، **بررسی تطبیقی رضایت و تأثیر آن در مسئولیت کیفری**، ماهنامه دادرسی، سال چهاردهم، شماره ۸۲، صص ۲۱ تا ۲۴.
- سادات اخوی، سید محسن (۱۳۹۴)، **مبنا و هدف مسئولیت انتظامی پزشک، خواستگاه و غایت اخلاقی**، فصلنامه حقوق پزشکی، سال نهم، شماره سی و دوم، صص ۱۱ تا ۵۲.
- سپهوند، امیر (۱۳۵۳)، **مسئولیت مدنی**، مجله کانون وکلا، شماره ۱۲۸ و ۱۲۹، صص ۱۴۱ تا ۱۴۹.
- سلطانی، علیرضا (۱۳۸۷)، **وظایف و تعهدات سر دفتر**، مجله کانون سردفتران و دفتریاران، شماره ۸۵، صص ۴۳ تا ۶۹.
- سلطانی، محمد، خلیلی، مرضیه، سهرابی، لیلا، فلاح تفتی، زینب (۱۳۹۰)، **بایسته‌های حقوق بازار سرمایه (اصول)**، چاپ اول، تهران: انتشارات بورس.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۰)، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، چاپ دهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- طباطبایی، بهاء‌الدین (۱۳۴۲)، **مسئولیت مدنی**، حقوق امروز، شماره ۲، صص ۸ تا ۲۲.
- طباطبائی نژاد، سید محمد و صادقی مقدم، محمد حسن (۱۳۹۵)، **مقایسه نظام مسئولیت انتظامی و نظام مسئولیت مدنی از منظر اهداف عالی نظام مسئولیت**، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۶، شماره ۱، صص ۸۳ تا ۹۶.
- عبادپور، لطیف (۱۳۸۳)، **مسئولیت انتظامی کارکنان دفاتر اسناد رسمی**، مجله کانون دفاتر اسناد رسمی، سال چهل و هفتم، دوره دوم، شماره ۵۴، صص ۴۲ تا ۶۸، قابل رویت در:
<http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/:84671> در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۳
- علیرضایی، طاهره (۱۳۸۶)، **ضمان عاقله و اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری**، ماهنامه دادرسی، شماره ۶۴، صص ۵۱ تا ۵۴.
- علامه فلسفی، احمد (۱۳۸۱)، **فرهنگ زبان فارسی**، چاپ اول، تهران: انتشارات پیام آزادی.
- عمید، حسن (۱۳۸۴)، **فرهنگ فارسی**، چاپ سی و سوم تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۸)، **الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد**، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵)، **الزامهای خارج از قرارداد**، جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹)، **دوره مقدماتی حقوق مدنی**، اعمال حقوقی، قرارداد، ابقاع، ج ۲، چاپ سی و ام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۲)، **مسئولیت مدنی، ضمان قهری**، چاپ اول، تهران: انتشارات دهخدا.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، **مسئولیت مدنی**، جلد اول، قواعد عمومی، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر و انصاری، مهدی (۱۳۸۷)، **مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست محیطی**، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲، صص ۲۸۵ تا ۳۱۳.
- محسنی، فرید؛ جوهر، سعید (۱۳۹۳)، **ارتباط مسئولیت اجتماعی و مسئولیت کیفری تعامل یا تقابل**، پژوهش حقوق کیفری، صص ۸۷ تا ۱۱۳.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۱)، **فلسفه اخلاق**، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، چاپ اول، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- میرسعیدی، منصور (۱۳۸۳)، **مسئولیت کیفری، قلمرو و ارکان**، جلد اول، چاپ اول، تهران: میزان.
- نوربها، رضا (۱۳۸۴)، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، چاپ بیست و دوم، تهران: نشر داد آفرین.
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۴)، **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: نشر داد.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۱)، **حقوق اساسی، حاکمیت و نهادهای سیاسی**، جلد ۲، چاپ بیست و چهارم، تهران: میزان.
- همت فر، محمود؛ محمد اسلانی و فاطمه لطفعلیان (۱۳۹۱)، **نقش حسابداری و حسابرسی محیط زیست در دستیابی به توسعه پایدار در چهارچوب مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها**، دومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت محیط زیست، تهران: دانشگاه تهران، https://www.civilica.com/Paper-ESPME02-ESPME02_427.html

عربی

- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۷ ق)، **وسائل الشیعه**، جلد هجدهم، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ ق)، **دعائم الاسلام**، جلد دوم، مصر: دارالمعارف.

انگلیسی

- Cane, peter, (1996), tort law and economic interests, Clarendon press, second edition, London: oxford.
- Clarke, Chris, (2000), Update Comparative Legal Study on. Environmental Liability, available at the Commission's Website, 2000, at: ec.europa.eu/environment/liability/pdf/legalstudy.pdf. See in 20/Jun/2017.
- Clarkson, C.M.V, (2005) Understanding Criminal Law. Fourth Edition. London: Sweet and Maxwell.
- Clarkson, C.M.V, (2005), Understanding Viminal law, European Group on Tort Law, principles of European tort law, New York: springer.
- Kottenhagen, Rob J.P, (2007), Tort and Regulatory Law, Tort and Insurance Law vol, 19, p. 187-204. Vienna /New York: Springer.

- Mc Guire, J.W, (1963) Business and society, New York: Mc Graw-Hill.
- Ogus, Anthony (2007) The Relationship between Regulation and Tort Law: Goals and pp.377-389. Strategies, springer.
- Williams, Glanville, (1951), Tort law in American: an intellectual history, expanded edition, London: Oxford University press.

